

Analyzing the lived experience the women victims of rape

Nahid Hosseini*

Abstract

Rape is a sign of violence and serious harm to the victim. This research was conducted with the aim of analyzing the lived experience of female victims and using a qualitative method of phenomenology.. The participants, two groups of addicted and non-addicted women and a total of 11 people, were selected by targeted sampling available in Tehran. The data was collected by semi-structured interviews until data saturation and the validity of the research was based on matching the researcher's constructs empirically with the participants' constructs and reliability by controlling the reliability of the data and coding triangle. Data analysis was done by reducing meaningful statements to categories including 47 main concepts, 19 subcategories and 8 main categories and textual, structural description and interpretation. Psychological wounding was defined as the understanding of the issue and four categories, including broken family, rebelliousness and free relationships, addiction, social insecurity, factors influencing sexual assault. The victim's strategy is social silence and revenge, and the schema of psychological damage is forever imprinted on his mind and psyche. Speed in handling the punishment of criminals, preventive measures and community awareness, deterrent laws, policing measures and increasing monitoring devices and police patrols and city cameras are suggested.

Keywords: Violence, violence against women, rape, women.

* Assistant Professor, Social Sciences Department, Amin University of Police Sciences,
n.hosseini1001@yahoo.com

Date received: 06/01/2023, Date of acceptance: 05/08/2023



واکاوی تجربه زیسته زنان قربانی تجاوز جنسی

ناهید حسینی*

چکیده

تجاوز جنسی وجه بارز خشونت و آسیب جدی برای قربانی است. این تحقیق با هدف واکاوی تجربه زیسته زنان قربانی و با روش کیفی از نوع پدیدارشناسی و استراتژی کلایزی انجام شده است. مشارکت‌کنندگان، دو گروه زنان معتاد و غیر معتاد و جمعاً تعداد ۱۱ نفر، با نمونه‌گیری هدفمند در دسترس شهر تهران انتخاب شده‌اند. داده‌ها با مصاحبه نیمه ساختاریافته تا اشباع داده و اعتبار تحقیق بر اساس تطبیق برساخته‌های محقق به لحاظ تجربی با برساخته‌های مشارکت‌کنندگان و پایایی با کنترل قابلیت اعتماد به داده‌ها و مثلث کدگذاری انجام شد. تحلیل داده‌ها با تقلیل گزاره‌های معنی‌دار به مقوله‌ها شامل ۴۷ مفهوم اصلی، ۱۹ زیر مقوله و ۸ مقوله اصلی و توصیف و تفسیر متنی و ساختاری انجام گرفت. زخم خوردگی روانی به عنوان درک و فهم از موضوع و چهار مقوله شامل خانواده گسیخته، سرکشی و روابط آزاد، اعتیاد، ناامنی اجتماعی زمینه‌های اثرگذار بر تجاوز جنسی شناخته شد. راهبرد قربانی سکوت اجتماعی و انتقام است و طرحواره آسیب روانی برای همیشه در ذهن و روان او نقش می‌بندد. سرعت در رسیدگی به مجازات مجرمان، اقدامات پیشگیرانه و آگاه‌سازی جامعه، قوانین بازدارنده، اقدامات انتظامی و افزایش دستگاه‌های نظارتی و گشت‌های پلیس و دوربین‌های شهری پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: خشونت، خشونت علیه زنان، تجاوز جنسی، زنان.

۱. مقدمه

خشونت (violence) امری شایع در زندگی اجتماعی و مرتبط با سلامت روحی و روانی و اجتماعی است. خشونت در لغت به معنای درشتی و زبری، ناهمواری و تندخویی و

* استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علوم انتظامی امین، n.hosseini1001@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۴



درشت‌خویی (معین، ۱۳۸۱: ۶۲۸) و در تعریف به معنای استفاده عمدی از زور یا قدرت اعم از فیزیکی، کلامی، جنسی، عاطفی و روانی چه به صورت تهدید و چه به صورت واقعی علیه یک فرد، گروه، نهاد یا به طور کلی یک واحد اجتماعی به قصد آسیب، محرومیت، تخریب یا قتل است (میرزایی، ۱۳۹۳: ۴۸۳). تجاوز جنسی (Rape) از انواع خشونت است و بر آمیزش جنسی مبتنی بر خشونت و بدون رضایت قربانی دلالت دارد (نوروزی و عالی پور، ۱۳۹۸). تجاوز جنسی از نظر اجتماعی و اخلاقی در همه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها غیرقابل قبول است و توسط قوانین حمایت از حقوق بشر حتی در هنگام درگیری‌های مسلحانه ممنوع است. تجاوز جنسی می‌تواند منجر به آسیب‌های جسمی، عاطفی و روانی با عواقب فوری و طولانی مدت شود. این می‌تواند منجر به آسیب فیزیکی، حاملگی ناخواسته و عفونت‌های مقاربتی (از جمله انتقال HIV) شود (ربسام و همکاران، ۲۰۱۵). تجاوز تنها یک حمله فیزیکی و جنسی نیست، بلکه علاوه بر صدمات روانی، عصبی و عاطفی، بر رفتار زنان نسبت به جنس مرد تأثیر می‌گذارد. گاهی زنان صدمه دیده در زندگی جنسی دچار سردی و افسردگی شده و نفرت و ترس از جنس مرد را هرگز در زندگی خانوادگی و اجتماعی خود فراموش نمی‌کنند (کار، ۱۳۸۷: ۳۴۶). ارزیابی میزان تجاوز جنسی دشوار است. تنها نسبت اندکی از تجاوزات جنسی عملاً به پلیس گزارش و در آمارها قید می‌شود. رقم واقعی ممکن است تا پنج برابر بیشتر از آمارهای رسمی باشد. در تحقیقی در انگلستان با حدود ۱۲۰۰ نفر از زنان نشان داد که از هر شش زن یک نفر مورد تجاوز قرار گرفته و از ۵ نفر باقی مانده یک نفر توانسته با مقاومت مانع از اقدام تجاوز شود و نیمی از تجاوزات جنسی یا در خانه فرد یا در خانه فرد تجاوز کننده اتفاق افتاده است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۳۰۳). تحقیقات انجام شده از سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ نشان داده که ۳۳ درصد خشونت‌ها علیه زنان جنسی بوده است و با افزایش مطالعات در این زمینه شیوع خشونت جنسی و جسمی کاهش داشته، اگر چه بر خشونت‌های عاطفی اضافه شده است (حاج نصیری و همکاران، ۱۳۹۵). تجاوز به زنان یک مشکل جهانی است. ۱۴۸ درصد از زنان بالای ۱۷ سال در ایالات متحده در طول زندگی خود مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند و ۲۸ درصد دیگر نیز اقدام به تجاوز جنسی را گزارش کرده‌اند (ربسام، ایزیس، چی بیوکه و همکاران، ۲۰۱۵). یک مطالعه در میان دانشجویان دختر در جنوب شرقی نیجریه، نشان داد که تقریباً ۱۶.۵٪ از پاسخ‌دهندگان در گذشته از تجاوز جنسی نجات یافته بودند. در اتیوپی، تجاوز جنسی، ۳ درصد از کل مراجعات سرپایی زنان را تشکیل می‌دهد. در شمال مرکزی نیجریه، تجاوز به عنف ۵.۶٪ از تمام موارد اورژانسی زنان را تشکیل می‌دهد (ربسام و

همکاران، ۲۰۱۵). موضوع خشونت در ایران از سال ۱۳۷۶ با پژوهش‌ها و فعالیت‌های علمی مورد توجه قرار گرفت. اگرچه آمار دقیقی از آن در اختیار نیست اما در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ طیف گسترده‌ای از ۱۷/۵ تا ۹۳/۶ درصد شیوع خشونت علیه زنان در تهران و شهرهای دیگر گزارش شده و بیشترین فراوانی مرتبط به آزار روانی و کمترین آن آزار جنسی بوده است (وامقی و همکاران، ۱۳۹۲). بر اساس گزارش پلیس در ایران، جرم خشونت جنسی از سال ۹۴ و ۹۵ سیر نزولی داشته ولی کشف این جرایم ۱/۵ درصد افزایش یافته است. بیشترین وقوع در شهرهای بزرگ همانند تهران، اصفهان، فارس بوده است. بیشترین میزان کشف در تهران (۹۷/۵ درصد) و استان‌های خراسان جنوبی، کرمانشاه و کیش کمترین میزان وقوع جرم را داشته است. حدود نیمی از قربانیان تجاوز به عنف زنان و دختران در سنین ۲۵-۱۵ سال هستند. برخی مجرمین از متهمین با سابقه دارای تشکل و باندهای جرم و برخی نیز از اتباع بیگانه می‌باشند. این جرایم معمولاً در باغ، صحرا و بیابان، ساختمان‌های نیمه‌کاره، کارگاه‌های متروکه، داخل خودرو، داخل مغازه، منزل مسکونی، با ورود به زور در منزل، ورود به زور به محل کار و سایر اماکن مشابه دیگر اتفاق می‌افتد. معمولاً تجاوز به وسیله تهدید با سلاح سرد، همراه با فیلمبرداری از قربانیان، در پوشش مسافری، یا دوستی و با وعده ازدواج است. بخش مهمی از این جرم در منازل مسکونی و با زور و ارباب فرد قربانی رخ می‌دهد. در تحلیل برخی آمارهای منتشر شده از طریق رسانه‌ها چنین به نظر می‌رسد که استفاده از سلاح گرم و ایجاد رعب و وحشت برای فرد قربانی نسبت به سال‌های گذشته بیشتر شده است. این در حالی است که همچنان سلاح سرد یا حتی بدون هر گونه سلاح و از طریق زور و قدرت بدنی و جسمی این پدیده شوم رخ می‌دهد. جرایم با ایجاد ضرب و جرح، از طریق ربودن و یا تهدید به فیلمبرداری و عکسبرداری است. بخشی از این تجاوزات جنسی هم توأم با سرقت اموال قربانیان است. فیلمبرداری و تهیه عکس از قربانیان در محل وقوع جرم نشان می‌دهد که مجرمین ابتدا قصد اخاذی دارند و در ادامه سوءاستفاده از قربانی رخ می‌دهد (گزارش پلیس آگاهی، ۱۳۹۵)؛ اما با این وجود هنوز به نظر می‌رسد شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران و موضوع انگ و آبرو بر اعلام این پدیده به پلیس اثر دارد و چه بسا خانواده‌هایی که سکوت می‌کنند. این تحقیق با هدف واکاوی تجارب زیسته زنان قربانی تجاوز جنسی و درک و فهم آنان از موضوع، عوامل بروز و راهبردهای کنشی آنان انجام شده است.

۱.۱ ادبیات نظری پژوهش

پینا و همکاران (Pina et al, ۲۰۰۹) در تبیین نظری خشونت جنسی به پنج رویکرد مهم اشاره می‌کنند:

- نظریه فرهنگی - اجتماعی خشونت دلالت بر نابرابری و دیدگاه‌های جنسیت گرایانه و برتری و سلطه مردانه و نظام مردسالارانه دلیل اصلی ستمگری جنسی است.

- نظریه سازمانی مدعی است که خشونت جنسی از طریق روابط سازمانی و نابرابری‌های نظام قدرت و پایگاه سازمانی است و دیدگاهی کلیشه‌ای به مردان می‌دهد که خود را قدرتمندتر و قوی‌تر از زنان می‌دانند و فشارهای جنسی در محیط کار بر اساس اعمال قدرت از سوی افراد دارای موقعیت بالاتر اتفاق می‌افتد.

- نظریه طبیعی - زیستی بر این تأکید دارد که مردان از نظر فیزیکی و سائقه جنسی قدرت بالاتر و خشونت بیشتری دارند.

- نظریه شناختی - اجتماعی بر باورها، اعتقادات، تفکرات و پردازش اجتماعی مبتنی بر قدرت مردان و مفاهیمی که چنین شناختی را در ذهن زن و مرد متبادر می‌کند، تمرکز دارد.

- نظریه چهاربعدی مزاحمت جنسی (ترکیبی) با تأکید و ترکیب چهار نظریه به تبیین خشونت جنسی می‌پردازد. وجود فرد برای ایجاد مزاحمت، بازدارندگی درونی از جمله خویش‌داری و اخلاقیات، غلبه بر موانع بازدارنده بیرونی و غلبه بر مقاومت قربانی چهار سوی این نظریه است (کردی و حسینی، ۱۳۹۳).

سوزان براونمیلر (Susan Brownmiller) با تأکید بر ارتباط نزدیک میان تجاوز جنسی و تمایلات جنسی عادی مردانه، استدلال کرده است که تجاوز جنسی جزئی از یک نظام تهدید مردان است که همه زنان را در ترس و وحشت نگاه می‌دارد. زنانی که مورد تجاوز واقع نشده‌اند، به این ترتیب دچار اضطراب‌هایی هستند که لازم است در زندگی روزمره خیلی بیشتر از مردان محتاط باشند. گیدنز معتقد است بسیاری از باورهای عمومی در مورد تجاوز جنسی نادرست است. این باور که اگر فرد قربانی مقاومت کند دچار تجاوز نمی‌شود، یا بعضی زنان قربانی از این موضوع لذت می‌برند، یا این که مردانی که متجاوز هستند دارای ناراحتی روحی و روانی می‌باشند. بلکه تجاوز جنسی ارتباطی آشکار با مردانگی و حس قدرت و سلطه و نیرومندی دارد و اکثراً نتیجه میل جنسی لبریز شده نیست. بلکه احساس قدرت افراد

تجاوزکننده و احساس ترس و وحشت قربانی عامل مهم در این نوع رفتار است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۲۲۱). جمع‌بندی نظریات نشان می‌دهد که تجاوز جنسی نمایشی از خشونت و سلطه جویی مردان است. عملی نه صرفاً فیزیولوژیکی و بر اساس سائق‌های غریزی، بلکه وابسته به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی است، قربانی را از ارزش و اعتبار تهی ساخته و مردان متعرض از آن با ایجاد وحشت در زنان، برای تحکیم نابرابری، برتری جنسیتی و تحقیر زن بهره می‌گیرند (آبوت، والاس، ۱۳۸۲: ۲۳۷).

۲.۱ پیشینه پژوهش

مطالعات حوزه خشونت علیه زنان را به‌طور کلی می‌توان در حوزه‌های حقوقی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی تقسیم‌بندی کرد. (وامقی و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین نتایج حسینی (۱۳۹۹) در تدوین بانک اطلاعاتی پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان در ایران نشان داد که در بازه زمانی چهار دهه گذشته ۴۱۷ اثر در خصوص خشونت علیه زنان، خشونت خانگی، همسرآزاری، قاچاق زنان، مزاحمت خیابانی، آزار جنسی، همسرکشی، خشونت کلامی و خشونت مجازی ثبت شده است که بیشترین آن مربوط به خشونت علیه زنان و خشونت خانگی است. این رقم حدود ۲۸ درصد کل مطالعات حوزه زنان در آسیب‌های جرم‌زا را دربرمی‌گیرد. حاج نصیری و همکاران (۱۳۹۵) در مرور نظام مند مقالات با موضوع خشونت‌های جسمی، جنسی و عاطفی در زنان ایرانی نیز میزان شیوع خشونت عاطفی (۵۹ درصد در زنان ۵۰ تا ۶۷ ساله) بیشتر از خشونت‌های جسمی (۴۵ درصد در زنان ۳۴ تا ۵۵ ساله) و جنسی (۲۳ درصد در زنان ۲۵ تا ۵۰ ساله) می‌داند؛ اما راد و مرزی (۱۳۹۳) با پیمایشی میان ۳۱۵ نفر زنان متأهل ساکن در شهر خوی نشان دادند که خشونت جنسی بالاترین میانگین و خشونت فیزیکی کمترین میانگین را داراست. در مطالعه عوامل بروز تجاوز جنسی شرایط محیطی را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت. شایان و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه پیامد تجاوز جنسی، با آزمون ۱۹۷ نفر زنان مراجعه‌کننده به مرکز پزشکی قانونی شهر شیراز با تکمیل پرسشنامه‌های استاندارد عمومی و عملکرد جنسی دریافتند که ۹۱/۹ درصد زنان دارای اختلال عملکرد جنسی و ۸۵/۳ درصد دارای اختلال روانی هستند. اختلال عملکرد جنسی با دخالت خانواده همسر و سن همسر رابطه معنادار دارد. تحقیق ناهیدی و همکارانش (۱۳۹۴) نیز فراوانی اضطراب را در ۹۳ زن قربانی تجاوز جنسی مورد تأیید قرار داده است. تقریباً نیمی از قربانیان تجاوز جنسی به افسردگی بعد از تجاوز جنسی مبتلا می‌شوند (متقی و همکارانش،

۱۳۹۵). در همین راستا نتایج تحقیق رزاقی و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه کیفی پیامدهای خشونت علیه زنان در خانواده و مصاحبه با ۲۴ زن قربانی، بیانگر تجارب از پیامدهای خشونت شامل: کاهش سلامت زنان، سیستم خانواده، زنجیره‌های ازهم گسسته و ناکامی در نقش همسری بود. نتایج نشان داد که تأثیرات سوء خشونت علیه زنان در خانواده، فقط دامن‌گیر زنان نبوده، بلکه صدمات جدی بر کل سیستم خانواده و حتی پیکره اجتماع وارد می‌کند. در تأیید این ادعا نتایج تحقیق مهدی زادگان و همکارانش (۱۳۹۲) در پیمایشی از ۳۹۳ نفر زنان شاغل و خانه‌دار در شاهین‌شهر نشان داده است که بین خشونت جنسی، عاطفی، کلامی و جنسی با کارکرد خانواده رابطه معنی‌دار وجود دارد. قاسمی و همکاران (۱۳۹۳) در بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان در خانواده نشان می‌دهد نگرش مردسالارانه، تجربه و مشاهده خشونت، نظام اجتماعی سنتی و نبود منابع قدرت تأثیر معناداری بر خشونت علیه زنان دارد. فرامرزی و اسماعیل‌زاده (۱۳۸۴) در بررسی ارتباط بین بروز خشونت جنسی در بزرگ‌سالی و تاریخچه خشونت فیزیکی در کودکی از میان ۸۵۷ زن قربانی، تجربه خشونت فیزیکی در کودکی را داشته‌اند و در اکثر موارد آزار و تجاوز جنسی، آسیب‌دیدگی جسمی در ناحیه تناسلی از گزارشات پزشکی قانونی است. سكاتو (Ceccato, ۲۰۱۴) در مطالعه تجاوز جنسی در استکهلم سوئد و توصیف توزیع و چشم‌انداز شهری دریافت تجاوز به عنف در نواحی داخلی شهر متمرکز است، اما در برخی از نقاط پیرامونی از یک الگوی موزاییکی پیروی می‌کند. تجاوزها در مکان‌هایی با دید ضعیف اتفاق می‌افتد، اما فرار آسانی را برای مجرم فراهم می‌کند. سامانتا و همکاران (samanta et al, ۲۰۲۲) در بررسی الگوهای مکانی، محیطی و زمانی ۱۰۴۸۸ تجاوز جنسی را که طی یک دوره ۱۵ ساله در لندن رخ داده بود، بین دو نوع تجاوز جنسی غریبه نوع اول و افراد نزدیک‌تر (نوع دوم) بر اساس روش ارتکاب تمایز قائل شدند. بیشترین تعداد تخلفات نوع اول در خارج از منزل رخ داده است، با ۷۴٪ از نزدیک‌ها و ۵۵٪ از تخلفات واقع در خارج از خانه ثبت شده است. در یک مرکز مطالعه در خصوص تجاوز جنسی در استرالیا غربی از مجموع ۱۲۶۶ زن که از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ قربانی، ۵۲ درصد آسیب جسمی گزارش شده است. احتمال آسیب بدون رابطه جنسی قبلی بیشتر است (رینیت Renate و همکاران، ۲۰۱۷). تحقیقات نشان می‌دهد که در بسیاری از جرایم تجاوز جنسی استفاده از مواد مخدر یا مصرف مشروبات الکلی مشهود است. نتایج تحقیقات در کانادا نشان می‌دهد که آزادی‌های سنی در مصرف الکل باعث افزایش ارتکاب تجاوز جنسی توسط مردان جوان شده است (جودی و همکاران، Jodi et al, ۲۰۱۷).

۲. روش‌شناسی پژوهش

۱.۲ روش

تحقیق حاضر با روش کیفی پدیدارشناسی (phenomenology) هوسرلی (Husserl) و با استراتژی کلایزی (Colaizzi) انجام شده است. این روش مشتمل بر شش گام است: ۱. مقدمه (بیان مسئله و سؤالات)؛ ۲. فرایند و رویه تحقیق (مفروضات فلسفی و پدیدارشناختی، گردآوری داده‌ها، تحلیل، نتایج)؛ ۳. احصاء گزاره‌های معنی‌دار و مهم؛ ۴. معانی گزاره‌ها؛ ۵. تم‌های مستخرج از گزاره‌ها؛ ۶. توصیف کامل پدیده. (بودلایی، ۱۳۹۵: ۳۳). محقق در این روش می‌کوشد پدیده را با ریشه‌یابی معانی آن از افرادی که آن را تجربه کرده‌اند، دریابد و با دو سؤال عمده در چگونگی تجربه و چرایی آن و با مصاحبه‌های عمیق و جداگانه به درک موضوع و جوانب آن بپردازد. هدف پژوهش پدیدارشناسی توصیف صریح و شناسایی پدیده‌ها از دیدگاه افرادی است که بر حسب تجارب زیسته (Lived experience) آن را در موقعیت خاص خود درک کرده‌اند. مفروضات هستی‌شناسی این روش تحت پارادایم تفسیری است.

۲.۲ مشارکت‌کنندگان

این تحقیق شامل دو گروه از زنان در شهر تهران هستند:

- گروه اول زنان (غیر معتاد) ربوده شده در خیابان: در یک پروژه سریالی دو جوان ۲۵ ساله و ۲۱ ساله هر دو معتاد، مجرد، متولد تهران، بدون شغل و بیکار و دارای سابقه کیفری، ساکن جنوب تهران به عنوان مسافرکش زنان را سوار می‌کردند و با تهدید توسط قمه، چکش، فندک، چاقو، کیف و لوازم قیمتی قربانی را اعم از پول، طلا، گوشی به سرقت برده و با تهدید به کشتن، در محل مناسب و خلوت اطراف شهر عمل متجاوزانه خود را انجام داده و سپس قربانی را کنار جاده یا اتوبان رها می‌ساخته‌اند. این پرونده در سال ۱۳۹۴ رسانه‌ای شد و متهمان پرونده به ۲۱ فقره آدم‌ربایی، سرقت و تجاوز اعتراف کردند و در سال ۱۳۹۶ به اعدام محکوم شدند. این بخش از تحقیق و مصاحبه‌ها با مراجعه به اداره آگاهی تهران بزرگ و با زنان قربانی شاکی در پرونده انجام شد. این زنان مورد تعرض این دو جوان قرار گرفته بودند، با استناد به محتویات و اظهارات آنان در پرونده و مصاحبه با شش نفر از آنان که در دسترس بوده و تمایل به مصاحبه داشتند.

- گروه دوم زنان و دختران معتاد: این افراد به دلیل اعتیاد، ترک خانه و نداشتن کاشانه، کارتن‌خواب و خیابان‌گرد شده و در زمان تحقیق در یکی از کمپ‌های دولتی ترک اعتیاد در استان تهران نگهداری می‌شدند. با پنج نفر از آنان که تجربه تجاوز را داشتند، مصاحبه صورت گرفت.

۳.۲ گردآوری داده‌ها

داده‌ها با مصاحبه نیمه ساختاریافته و رعایت تمامی نکات و حفظ اسرار و محرمانگی و استفاده از اسامی مستعار و اعتبار با روش برلکات (Burlecott) و بر پایه رویه تحقیق انجام شد. بدین معنی که محقق ۹ نکته ضروری را شامل گوش دادن، نوشتن، یادداشت کردن (ضبط کردن)، در میان گذاشتن استنباط‌های خود با تجربه گر، گزارش‌های کامل، صراحت، بازخوردگیری از همکاران، رعایت تعادل میان جنبه‌های مختلف پدیده و درنهایت دقت در نگارش بوده است. در ارزیابی تحقیق کیفی اعتبار (Validity) بیش از پایایی مورد توجه است. در اعتبار بر ساخته‌های خاص محقق تا چه حد به لحاظ تجربی بر پایه بر ساخته‌های اعضای جامعه یا گروه مورد مطالعه مبتنی است و به لحاظ توصیفی و ساختاری به آن پایبند است. پایایی (Reliability) تحقیق در قالب کنترل قابلیت اعتماد به داده‌ها و روش اجرای تحقیق و با توجه به خاص بودن هر یک از روش‌های تحقیق کیفی فرمول‌بندی شده است (فلیک، ۱۳۹۳: ۴۱۸-۴۱۲). اعتبار و پایایی در سنت پدیدارشناسی به این مفهوم است که آیا یافته‌ها معتبر هستند؟ و آیا توصیف ساختاری عمومی و ارائه تصویر روشن در مورد ویژگی‌های مشترک و ارتباطات ساختاری ارائه شده است؟ و آیا محتوای ارائه شده و تم‌های به دست آمده بازتاب واقعیت تجربه شده می‌باشد؟ (بودلایی، ۱۳۹۵: ۳۸). برای این منظور ضمن رعایت اصول مصاحبه، از مثلث سه‌گانه کدگذاری شامل کدگذاران دوم و سوم بهره گرفته شده است. همچنین حین مصاحبه نظرات ثبت شده مشارکت‌کننده مجدداً با وی کنترل و در صورت مغایرت اصلاح می‌شد.

در روش پدیدارشناسی، تحلیل داده‌ها از طریق تقلیل گزاره‌های معنی‌دار به درون تم‌ها و سپس نگارش توصیفات متنی و ساختاری انجام می‌شود (بودلایی، ۱۳۹۵: ۳۰). در این تحقیق نیز داده‌های متنی به ۴۷ مفهوم اصلی، ۱۹ زیر مقوله و ۸ مقوله تبدیل شد که در جداول ذکر و براساس آن تجزیه و تحلیل و تفسیر یافته‌ها انجام شده است.

۴.۲ توصیف مشارکت‌کنندگان

وضعیت مشارکت‌کنندگان در جدول شماره یک نشان داده شده است:

جدول ۱. وضعیت توصیفی قربانیان تجاوز جنسی

ردیف	نام	سن	تأهل	تحصیلات	وضعیت خانوادگی	نوع رویداد
۱	لیلا	۲۰	مجرد	سیکل	طلاق والدین/ روابط آزاد	ریوده شدن و تجاوز- ولگردی
۲	نوشین	۲۳	مجرد	دیپلم	فرار از منزل	ولگردی و تجاوز
۳	ناوک	۲۵	مجرد	دانشجو	در کنار خانواده	ریوده شدن و تجاوز
۴	فرزانه	۲۵	متأهل	دیپلم	در کنار خانواده	خروج از محل کار و ریوده شدن و تجاوز
۵	کیمیا	۳۵	مجرد	کارمند	در کنار خانواده	ریوده شدن و تجاوز
۶	نگین	۳۵	متأهل	کارشناسی ارشد	شاغل / دارای همسر و دو فرزند	ریوده شدن و تجاوز
۷	زینب	۳۵	مجرد	دیپلم	در کنار خانواده	ریوده شدن و تجاوز
۸	ملیحه	۳۸	طلاق	دیپلم	در کنار خانواده	ریوده شدن و تجاوز
۹	زهره	۴۱	مجرد	دیپلم	آزادی بیش از حد	هم خانگی و تجاوز صاحب‌خانه
۱۰	نازنین	۴۳	متأهل	سیکل	کارتن‌خوابی	تهیه مواد و تجاوز
۱۱	گلرخ	۴۳	طلاق	دیپلم	طلاق والدین/ ازدواج اجباری/ آزار و اذیت شوهر/ طلاق	آلونک‌نشینی و تجاوز کارگران ریوده شدن و تجاوز مکرر

منبع: یافته‌های پژوهش

برای حفظ محرمانگی اسامی مستعار انتخاب شده است. کمترین سن ۲۰ و بیشترین ۴۳ سال و میانگین سنی قربانیان ۳۳ سال می‌باشد. سه نفر آنان متأهل، میزان تحصیلات این افراد کمتر از دیپلم تا کارشناسی ارشد است. تقریباً نیمی از آنان به ویژه زنان غیرمعتاد دارای فعالیت اجتماعی و شغل بوده‌اند. در زمان تردد برای فعالیت‌های روزمره برای تحصیل یا محل کار و بلعکس بعضی از آنها نیز به دلیل بی‌خانمانی، ولگردی، شبگردی و کارت‌ن‌خوابی دچار آسیب شده‌اند.

محقق در تجزیه و تحلیل داده‌های پدیدار شناختی عموماً بر پایه داده‌های حاصل از سؤالات ابتدا به برجسته نمودن گزاره‌های مهم و جملات و عبارات تحت عنوان افقی سازی یا ارزش برابر گزاره‌ها می‌پردازد. سپس با توسعه دسته‌ها و خوشه‌هایی از معانی و مفاهیم در درون گزاره‌های مهم و بامعنی به شکل تم (مقوله) می‌پردازد. این گزاره‌های معنایی و تم‌های به‌دست آمده برای توصیف محتوایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با ایجاد انسجام میان توصیفات محتوایی فردی در درون یک توصیف محتوایی کلی ایجاد می‌شود و همچنین با استفاده از متن و محتوای مؤثر بر چگونگی شکل‌گیری تجربه مشارکت‌کننده به توصیف ساختاری می‌پردازد. با ادغام و یکپارچه‌سازی توصیفات محتوایی و ساختاری جوهره پدیده عیان می‌شود (بودلایی، ۱۳۹۵: ۳۴).

۳. تفسیر یافته‌ها

۱.۳ تجربه و درک از پدیده

اولین سؤال از مشارکت‌کنندگان در روش پدیدارشناسی فهم و درک از موضوع مورد مطالعه است. مشارکت‌کنندگان این تحقیق قربانیان تجاوز جنسی و بدترین نوع خشونت بر علیه زن هستند. این پدیده غیر ذاتی، غیرقانونی، غیر ارزشی و نابهنجاری است. آنچه این پدیده برای آنان به جای گذاشته «زخم روانی» است. به ویژه برای زنان غیر معتاد که یکبار مورد چنین تعرضی قرار گرفته‌اند. در سؤال از آنان، اولین نکته، زبان بدن آنها به واسطه احساس بدی است که بر وجود آنان مستولی می‌شود. آنچه می‌گویند نشان از حس تحقیر شدن به واسطه سلطه‌جویی مردی است که با خوار و خفیف کردن زن به هدف شوم خود رسیده است.

جدول ۲. تجربه و درک قربانیان از پدیده تجاوز جنسی

مفاهیم	زیر مقوله	مقوله
۱- شرمگینی در خانواده	۱- شرم	زخم خوردگی روانی
۲- زیر پا شدن	۲- تحقیر	
۳- اشد مجازات	۳- انتقام	
۴- ترس / ۵- تهدید	۴- وحشت	

منبع: یافته‌های پژوهش

واکاوی تجربه زیسته زنان قربانی تجاوز جنسی (ناهد حسینی) ۴۱

پدیده تجاوز جنسی با ترس و تحقیر برای زنان قربانی همراه است. در این پدیده استیلائی جنس مرد با ایجاد حس حقارت و قدرت طلبی در موقعیتی نابرابر و تسلط بر زن مشهود است. مردانی که زنی بی دفاع و تنها را طعمه هوای نفس خود می کنند و با زور و ارباب هرگونه خشونت را بر بدن او وارد می سازند. در وجود چنین زنانی احساس شرمساری از آبروی رفته و تنفر و انزجار و آرزوی انتقام نهادینه می شود. این موضوع هیچ گاه از یاد آنان نمی رود و بر تمام ارکان زندگی شان اثر می گذارد و به قول آنان هرگاه چشم بر هم می گذارند صحنه تلخ و پر از ترس و وحشت و تهدید در جلوی چشمان آنان مجسم می شود:

همیشه ترس همراهم است... هیچ وقت التماس هامو به اون دو تا پسر و کتک هایی که بهم زدن از یاد نمی برم. زندگی من دیگه با ترس همراه شده و حتی چند بار به روانشناس مراجعه کردم تا این حادثه را فراموش کنم. (نوشین ۲۳ ساله)

درک زنان از این موضوع را می توان در چند مفهوم خلاصه کرد، ترس، خشونت، تهدید، تحقیر و انتقام از مردانی که عفاف آنان را لکه دار کرده اند. اینان باعث شده اند که این زن در روان خود شرمسار باشد و ترس و وحشت عمیقی را در طول زندگی با خود همراه سازد:

من الان در شرایط بسیار بدی به سر می برم. چشمامو که می بندم، چهره و بوی این آدم می آد تو ذهنم و تشنج هم دست می ده. احساس ترس و ناامنی شدید می کنم (ملیحه ۳۸ ساله).
به زور منو کشوند و برد و خفتم کرد و بهم تجاوز کرد باعث شد که صاحبخونه هم چند بار بهم تجاوز کنه... (زهرا ۴۱ ساله).

۲.۳ عوامل و زمینه های ایجاد پدیده

خشونت جنسی و به ویژه تجاوز علیه زنان تحت تأثیر عوامل متعددی است. در این تحقیق بنابر روایت قربانیان می توان به طور خلاصه به جدول ۳ اشاره کرد.

جدول ۳. عوامل و زمینه های اثرگذار بروز تجاوز جنسی از دیدگاه قربانیان

مفاهیم	زیر مقوله	مقوله
۶- طلاق والدین / ۷- طلاق از همسر / ۸- ازدواج اجباری / ۹- بد سرپرستی / ۱۰- کمبود عاطفی /	۵- طردشدگی	خانواده گسیخته
۱۱- کارتن خوابی / ۱۲- فرار از منزل / ۱۳- شبگردی	۶- بی خانمانی	

سرکشی و روابط آزاد	۷- لذت‌جویی	۱۴- ارتباط با غیر هم‌جنس / ۱۵- پوشش نامناسب / ۱۶- لذت نامشروع
	۸- هیجان خواهی	۱۷- خودسری / ۱۸- شخصیت بیش‌فعال
اعتیاد	۹- مواد مخدر	۱۹- تهیه پول برای مواد مخدر ۲۰- تهیه مواد مخدر ۲۱- تأثیر مواد مخدر
	۱۰- ظاهر فریبی	۲۲- اعتماد
ناامنی اجتماعی	۱۱- تنهایی و شرایط محیطی	۲۳- تهدید شدن / ۲۴- تنها بودن / ۲۵- خلوتی خیابان
	۱۲- سرقت	۲۶- زورگیری اموال / ۲۷- ربودن مال
	۱۳- ربایش	۲۸- ربایش خیابانی / ۲۹- ربایش مسافر

منبع: یافته‌های پژوهش

۱.۲.۳ خانواده گسیخته

این مقوله خود حاوی چندین زیر مقوله و مفاهیم دیگر است که به کلیاتی از آن اشاره می‌شود.

۱.۱.۲.۳ طردشدگی

برخی از مشارکت‌کنندگان به دلیل مشکلات و اختلافات خانوادگی، طلاق والدین، همسر نامهربان و خشن، فقدان سرپرست دلسوز، بیماری، ره‌اشدگی را تجربه کرده‌اند و اگرچه سقفی بالای سر داشته‌اند، اما فضای گرم خانه و خانواده و سقف عاطفی را نداشته‌اند و به نحوی رها شده و از آغوش گرم خانواده محروم بوده‌اند. این وضعیت زنان را بیشتر در معرض آسیب و خشونت‌های جنسی قرار می‌دهد.

«پدر و مادرم از هم جدا شده بودند و پدرم پدرم وضع مالیش خوب بود، اما دنبال زندگی خودش بود و منم پیش مادر بزرگم زندگی می‌کردم... به مادر بزرگم گوش نمی‌دادم... (لیلا - ۲۰ ساله)».

۲.۱.۲.۳ بی‌خانمانی

شامل فرار از خانه، کارتن‌خوابی، شبگردی، ولگردی و خیابان‌گردی از آسیب‌هایی است که دختران را به وادی فنا می‌کشد.

واکاوی تجربه زیسته زنان قربانی تجاوز جنسی (ناهد حسینی) ۴۳

«پسری را دوست داشتم خانواده نداشتند با هم باشیم و ما هم فرار کردیم. تمایل داشتم به مصرف مواد. بعد هم کارتن‌خوابی و آوارگی. یک بار ۲ نصف شب تو خیابون بودم و گوشه‌ی و پول و کیفم را ازم گرفتند و بهم تجاوز کردند. (نوشین - دختر ۲۳ ساله)»

همچنین برای زنانی که شرایط اسکان مناسب ندارند و از پایگاه اجتماعی و اقتصادی مناسبی برخوردار نیستند، احتمال بروز آسیب‌های جنسی بیشتر است:

«۷-۸ سال در خونه‌ی سرایدار بودیم. ته حیاط چادر زده بودیم. مرد صاحب‌خونه خوب بود. یکی از رفیقاش افغانی بود که یه روز منو خفت کرد و بهم تجاوز کرد باعث شد که صاحب‌خونه هم چند بار این کارو انجام بده. (زهرا - زن ۴۱ ساله)»

۲.۲.۳ سرکشی و روابط آزاد

۱.۲.۲.۳ لذت‌جویی

دوستی و هم‌نشینی و رفاقت با افراد ناباب، لذت‌طلبی و خوشی‌های زودگذر با غیرهمجنس، لذت‌های نامشروع و التذاذ جنسی مجرمان از زنان قربانی و گاه پوشش‌های نامناسب عامل جلب توجه افراد مجرم جنسی و زمینه‌های آسیب به آنان است.

۲.۲.۲.۳ هیجان‌خواهی

خلق‌وخو و روحیات فرد یکی از زمینه‌های بروز خشونت جنسی است. این موضوع به‌ویژه در سنین پایین و با روحیاتی از جمله خودسری نوجوانان و عدم اطاعت‌پذیری از بزرگ‌ترها، روحیات بیش‌فعالی و خطر کردن و بی‌پروا عمل کردن، نداشتن ترس می‌تواند خطرآفرین باشد.

مشکلات عاطفی که از جدایی پدر و مادر داشتم، سرکوفت‌هایی که تو خونه بهم زده می‌شد. لجباز بودم .. آدم لذت‌طلبی بودم و دوست داشتم با پسرا باشم... مادر بزرگم زورش بهم نمی‌رسد. سیزده ساله بودم که بهم تجاوز شد (لیلا - دختر ۲۰ ساله)»

۳.۲.۳ اعتیاد

مواد مخدر ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است. زنان معتاد با طرد از خانه و خیابان‌گردی و کارتن‌خوابی و آلودگی‌های هم‌نشینی و هم‌نشینی با دوستان معتاد، مکان‌های تردد، معیشت و اقتصاد زندگی، تأثیرات روحی و روانی ناشی از نشئگی و خماری و بسیاری از اثرات مواد مخدر قربانی جرایم جنسی می‌شوند. همچنین از دو مجرمی که پرونده آنان مورد مطالعه قرار گرفت، هر دو معتاد به مصرف شیشه بوده و پس از مصرف مرتکب جرم تجاوز می‌شدند.

«با قمه تو دستش شروع به کشیدن شیشه کرد و دود اونو می‌داد تو صورت من؛ و بعد هم بهم تجاوز کرد (نازنین - ۳۵ ساله).»

همچنین زنان معتاد به دلیل تهیه مواد و ارتباط با افراد فاقد صلاحیت‌های اجتماعی گرفتار آزار و تجاوز جنسی شده‌اند.

۴.۲.۳ ناامنی اجتماعی

شرایطی همانند تنهایی، ویژگی‌های شخصیتی و سوء استفاده مجرمان از عدم حضور پلیس در موقعیت، موقعیت تسهیل‌کننده برای بروز جرم است.

۱.۴.۲.۳ تنهایی و شرایط محیطی

مجرمان همواره در صدد یافتن موقعیت‌هایی هستند که قربانیان خود را تنها ببینند، فردی برای کمک، نیروی پلیس نباشد که بتواند به شخص قربانی کمک کند.

مجرمان خیابانی معمولاً در ساعات خلوت همانند سر ظهر، شب، مکان‌های خلوت، جمعه، زنانی که تنها در حال تردد هستند، به عنوان مسافر به مکان‌های دورتر و خارج از شهر برده و طعمه قرار میدهند. همچنین با روش‌هایی مثل دودی کردن شیشه‌ها، پوشاندن پلاک ماشین با پارچه یا مخدوش نمودن یا تعویض آن سعی در پنهان ماندن از چشم پلیس دارند

«منتظر تاکسی بودم به دانشگاه برم؛ اما هر چی انتظار کشیدم خبری از تاکسی نبود. یه پراید مشکی شیشه دودی مقابلم توقف کرد... در آخر بعد از رها کردن من یکیشون سریع پیاده شد و هر دو پلاک خودرو را با پارچه پوشوند. دوباره سوار شد (ناوک دختر ۲۰ ساله).»

۲.۴.۲.۳ سرقت و ربایش

سرقت اموال یکی از اهداف و عامل وسوسه برای آسیب جنسی است:

«اول ازم خواستند هر چی دارم بهشون بدم طلا و پول نقد... (زهره- ۳۵ ساله).»

همچنین ربایش مسافر با هدف آسیب و تجاوز جنسی یکی دیگر از عوامل ایجاد این مصیبت است.

۳.۳ راهبرد زنان در پدیده «تجاوز جنسی»

جدول ۴ نشان از راهی است که زنان پس از تجربه این پدیده در زندگی بر می‌گزینند:

جدول ۴. مفاهیم و مقولات پیامدها و راهکارهای قربانیان پس از تجاوز جنسی

مفاهیم	زیر مقوله	مقوله
۱- کتمان	۱-کناره‌گیری	سکوت اجتماعی
۲- شرم درونی		
۳- استفاده از وسایل نقلیه عمومی / ۴- دقت و مراقبت / ۵- کنترل پلیس		
۶- بازگشت به زندگی عادی ۷- بازگشت به زندگی ناسالم	۲-هشیاری و مراقبت	سکوت اجتماعی
۳-پذیرش		
۸- حس انتقام ۹- خشم و نفرت ۱۰- مجازات و اعدام	۴-انتقام‌جویی	
۱۱- بلوغ جنسی زودرس ۱۲- سردی در روابط زناشویی	۵-اختلال جنسی	طرحواره آسیب روانی
۱۳- احساس ترس ۱۴- ناامید و یأس ۱۵- اضطراب	۶-نامنی روانی	

منبع: یافته‌های پژوهش

۱.۳.۳ سکوت اجتماعی

سکوت اجتماعی به عنوان یک واکنش روانی اجتماعی نسبت به برخی رویدادها و پدیده‌های ناگوار است. به موجب انسداد مسیر گفتگو و بنا به دلایل فرهنگی و اجتماعی، امکان گفتگو از فرد سلب می‌شود و آگاهانه یا ناآگاهانه امتناع از گفتگو به عنوان یک راهبرد پذیرفته می‌شود. ترجیح می‌دهد حتی نزدیکان خانواده خود از این موضوع اطلاع نیابند. فرد با وجود خشم فروخورده خود سکوت اختیار می‌کند، از احوال خود حرفی نمی‌زند، این فاجعه را در زندگی می‌پذیرد، هوشیارانه و تنها با مراقبت بیشتر از خود زندگی می‌کند. سطحی‌ترین نتیجه چنین سکوتی عدم درک متقابل گروه‌های اجتماعی از یکدیگر است.

در پدیده تجاوز، بیشتر زنان این راه را می‌روند و تنها کناره‌گیری، پذیرش و هوشیاری و مراقبت از خود را در این سکوت مصلحتی بر ساخت می‌کنند.

زنان به واسطه فرهنگ حاکم، واگویی برخی مسائل را قبیح دانسته و از ترس قضاوت و آبرو ترجیح می‌دهند سکوت اختیار کنند. تجاوز شرم و حقارت به همراه دارد. کناره‌گیری شامل شرم درونی و کتمان و حتی عدم اقدام به شکایت است.

به عنوان مثال پس از دستگیری مجرمان جنسی توسط پلیس و آگاهی و اطلاع‌رسانی پلیس در روزنامه‌های کثیرالانتشار، تعداد دیگری از زنانی که توسط همان مجرمان مورد سوء قصد قرار گرفته‌اند، به پلیس مراجعه نموده‌اند. این موضوع نشان از آن دارد که هنوز برخی مردم جامعه به واسطه حفظ آبرو حتی اقدام به شکایت نزد پلیس هم نمی‌کنند. کودکان و نوجوانان به دلیل ترس، از بیان موضوع به خانواده اجتناب می‌کنند.

«چند مرتبه این اتفاق برام افتاد. می‌ترسیدم مطرح کنم. این که دایی هم بفهمند (لیلا

۲۰ ساله)».

زنان در عوض در این سکوت یاد می‌گیرند که از خود مراقبت کنند، در برخورد با افراد، در اماکن و فعالیت‌های روزانه با احتیاط و مراقبت بیشتر رفتار می‌کنند. به راحتی از وسایل نقلیه غیر عمومی استفاده نمی‌کنند و به افراد پیرامون اعتماد ندارند:

«دیگه از همه خودروهایی شخصی ترس دارم و حتی آگه ۲۰ دقیقه هم طول بکشه منتظر

می‌مونم تا تاکسی سوار شم (ناوک - دختر ۲۰ ساله)».

آنان با وجود تأثیرات مخرب روحی و روانی در وجود خود، با موضوع کنار آمده و ناچار

به بازگشت و پذیرش در زندگی هستند:

واکاوی تجربه زیسته زنان قربانی تجاوز جنسی (ناهد حسینی) ۴۷

این اتفاق افتاد برای من و کاریش هم نمی‌تونم بکنم... موضوع را تنها به همسرم گفتم، اون باید تصمیم بگیره که ازین به بعد می‌خواد با من زندگی بکنه یا نه (نازنین، ۳۵ ساله).

۲.۳.۳ انتقام

شدت خشونت تجاوز برای یک زن تا حدی است که همواره برای التیام زخم روحی خود فکر انتقام دارد. زن قربانی هیچ‌گاه مردی را که حریم زنانه او را شکسته و تخریب نموده است، نمی‌بخشد. سکوت او برای حفظ آبروست، زنانی که به پلیس مراجعه می‌کنند در پی مجازات مجرم و خواهان انتقامند و بقیه جزای عمل مجرم را به خدا واگذار می‌کنند:

من الان در شرایط بسیار بدی به سر می‌برم... به اشد مجازات برسوندش (ملیحه ۳۸ ساله)

۴.۳ پیامد طر حواره آسیب روانی

مهم‌ترین پیامد این موضوع برای زنان ایجاد الگو و طر حواره روانی است. طر حواره‌ها در ذهن و روان فرد و در ضمیر ناخودآگاه سرمنشأ بروز رفتار و اعمال او می‌شود. تجربه خشونت جنسی به ویژه در سنین پایین، تأثیر عمیقی بر روان فرد به جای می‌گذارد و لازم است با مشاوره‌های عمیق و روانکاوای از ذهن او پاک و تأثیر آن کم شود.

۱.۴.۳ ناامنی روانی

این موضوع از اولین و ماندگارترین پیامد برای قربانیان است. تجربه‌ای که به گفته آنان هیچ‌گاه از ذهنشان خارج نمی‌شود.

شباهت چهره، موقعیت، رفتارها و حتی بوی فرد مجرم را در ذهن قربانی به جای می‌گذارد و با یادآوری آن آزار می‌بیند:

«در شرایط بسیار بدی به سر می‌برم. چشم‌مامو که می‌بندم، چهره و بوی این آدم میاد تو

ذهنم و تشنج بهم دست می‌ده (ملیحه - زن ۳۸ ساله).»

۱.۱.۴.۳ احساس ترس و اضطراب

یادآوری صحنه جنایت و عدم احساس امنیت روح این زنان را آزار می‌دهد. ترس از افراد، اماکن، وسایل نقلیه، مکان‌های خلوت و شرایط مشابه دیگر که یادآور خاطره شوم و پرهیز از بروز مجدد آن است:

«همیشه ترس همراهم است. خیلی مواقع می‌ترسم تنهایی بیرون برم و وقتی هوا تاریک می‌شه وحشتم بیشتر می‌شه (نوشین ۲۳ ساله).»
«احساس ترس و ناامنی شدید می‌کنم (ملیحه - زن ۳۸ ساله).»

۲.۱.۴.۳ حس حقارت

خشونت‌های جنسی همواره با ایجاد تحقیر و شکست حریم و احترام شخصی همراه است. بنابر این قربانیان به شدت حس تحقیر شدن به واسطه رفتار، شنیدن حرف‌های ناشایست و اعمال دون شخصیت آنان از سوی افرادی لابلالی دارند که همواره وجودشان را می‌آزارد.

«هیچ وقت التماس هامو به اون دو تا پسر و کتک‌هایی که بهم زدن از یاد نمی‌برم (نوشین - ۲۰ ساله).»

۳.۱.۴.۳ خشم و نفرت

خشم فروخورده از مجرمان، خشمی که منجر به نفرت شده و مجازات مجرم را در ذهن می‌پروراند. افرادی که از قانون فرار می‌کنند هر روز در ذهن قربانی مجازات و اعدام می‌شود.

۲.۴.۳ اختلال جنسی

بلوغ زودرس یا سردمزاجی از جمله پیامد تجاوز است. تجربه تجاوز در سن کودکی، فرد را در سنی زودتر از سن متعارف با مسائل جنسی آشنا ساخته و در زمان نوجوانی مطالباتی را در وی بیدار نموده که هنوز برای سن او زود بوده است.

همچنین تجربه نامطلوب جنسی در این نوع از جرایم، روابط زناشویی برای برخی زنان را سخت و خاطرات بد آنها را زنده می‌کند و موجب عدم گرایش به همسر و سردمزاجی شده است:

«به خاطر این موضوع با همسر هم تمایل به برقراری رابطه زناشویی ندارم و سردمزاجی برام پیش آمده (نازنین ۳۵ ساله).»

۴. بحث و نتیجه گیری

مطالعه خشونت علیه زنان و به ویژه تجاوز جنسی از موضوعاتی است که تحقیق برای آن سختی‌های خاص خود را دارد. تجاوز و تعرض به جسم و جان یک زن در هر جامعه و هر فرهنگی امری مذموم و غیر اخلاقی و غیرقانونی تلقی می‌شود. مردان متعرض از نظر قانونی محکوم هستند؛ اما با شدیدترین مجازات‌ها هم آسیبی را که به ویژه به روح و روان زن وارد می‌سازند، قابل جبران نیست. درک زنان از تجاوز جنسی، ترس، تهدید، تحقیر و انتقام است و زخم روانی ناشی از آن قابل التیام نیست. زمینه‌های اثرگذار بر تعرض به زنان شامل خانواده گسیخته، سرکشی و روابط آزاد، اعتیاد، ناامنی اجتماعی شامل زیر مقوله‌های رهاشدگی، بی‌خانمانی، لذت‌جویی، هیجان‌خواهی، مواد مخدر، ظاهر فریبی، تنهایی و نایمنی، سرقت، ربایش از دستاوردهای این تحقیق است.

زنانی که در کودکی یا بزرگسالی تجاربی همانند نابسامانی‌های خانوادگی در زندگی والدین یا زندگی خود با همسر، طلاق و متارکه، ازدواج‌های اجباری، کم‌سنی ازدواج، اعتیاد، پدر و مادر، همسر معتاد، مواد دخانی و مخدر در زندگی به واسطه آلوده بودن اطرافیان نزدیک، کمبود عاطفی به دلیل خانواده‌های پرتنش و آسیب‌دیده از طلاق و جدایی والدین، فقدان سرپرست یا ناکارآمد بودن و عدم اطاعت‌پذیری از وی و بسیاری از مسائل و مشکلات دیگر داشته‌اند، همواره مورد تهدید و آسیب هستند. بدیهی است با چنین مشکلات زیربنایی خانوادگی مسائلی همچون فرار از خانه، دل بستن به افراد نااهل، زندگی با مردان بیگانه، آلودگی به مواد مخدر سنتی یا صنعتی، هم‌نشینی با افرادی که خود عامل یا تسهیل‌کننده بروز آسیب برای زنان هستند، یکی از مهم‌ترین عوامل بروز آسیب و به تبع آن حوادث خشونت‌های جنسی می‌باشد. ساترلند (Sutherland) نیز در نظریه هم‌نشینی افتراقی میزان معاشرت افراد، درجه و شدت تعامل، عمق ارتباط و سن را از دلایل اصلی و مهم برای آسیب اجتماعی می‌داند.

سن پایین و عدم آگاهی‌های لازم دختران از محیط پیرامون و نداشتن تشخیص لازم از موقعیت‌های پیش رو آنان را در معرض آسیب قرار می‌دهد. کودکان قربانی، به واسطه سن پایین و نداشتن درک و فهم بسیاری از مسائلی که در کمین آنهاست، سوژه و قربانی افراد

سودجو می‌شوند. گاه به واسطه روحیات و ویژگی‌های شخصیتی همچون هیجان خواهی، نترس بودن، عدم تربیت صحیح و بی‌پروایی موقعیت‌های آسیب‌زا را برای خود فراهم می‌سازند. در بین این افراد به‌ویژه نوجوانان و جوانان در سنین پایین‌تر به واسطه ارتباط با غیرهمجنس و دوستی‌های خیابانی و ارتباطاتی دور از چشم خانواده دچار تعرض جنسی و متأسفانه عوارض پس از آن شده‌اند. تحقیقات کردی، حسینی نوذری (۱۳۹۴) نیز مؤید این موضوع است که با کاهش سن و در میان زنان کاهش تعداد فرزندان و جوان‌تر بودن زنان میزان تجربه آزار جنسی در هر سه شکل کلامی، غیرکلامی و جنسی بیشتر است. بسیاری از زنان مورد تجاوز این دسته را می‌توان رشد یافته در دو نوع خانواده باز و محدودساز دسته‌بندی کرد:

- خانواده‌های باز و رها: در این تیپ از خانواده‌ها فرزندان، نظارت کافی را دریافت نمی‌کند. یکی از وجوه دوست داشتن و دوست داشته شدن را می‌توان از طریق نظارت متوازن دریافت کرد. در زمانی که فرزند به حال خود رها می‌شود و نظارت لازم را دریافت نمی‌کند لذا به زعم دورکیم در شرایط آنومیک بر اساس اشتباهات درونی خودش عمل می‌کند، امکان آسیب برای او وجود دارد.

- خانواده‌های سرکوبگر و محدودساز: در این نوع خانواده‌ها فرزند به دلیل ترس حاکم بر خانواده، هر اتفاقی که برای وی بیفتد را گزارش نمی‌کند. ازدواج‌های اجباری، جهل و ناآگاهی، ضعف مهارت‌های گفتگو و مهارت‌های همسراری و فرزند پروری و امثال آن در خانواده از عوامل مهم در آسیب افراد است. عامل قابل توجه دیگر کمبود عاطفه در دختران و یا همسران نسبت به یکدیگر است که موجب ایجاد نیاز به خودنمایی زنانه می‌شود و آن را به جای منزل در خیابان عرضه می‌کند تا محبت دیگران را جلب کند.

۲-دسته دوم زنانی که زندگی سالم و ساده روزمره خود را دارند و ناخواسته در مسیر تردد، محل کار، تحصیل یا فعالیت‌های روزانه گرفتار مجرمان جنسی شده‌اند. تنهایی و خلوتی مکان یکی از مهم‌ترین عواملی است که زنان را گرفتار مجرمان جنسی می‌کند. نتایج با تحقیق سکاتو (۲۰۱۴) هم راستاست. تجاوز به عنف در نواحی داخلی شهر متمرکز است، اما در برخی از نقاط پیرامونی از یک الگوی تکه تکه پیروی می‌کند. تجاوزها در مکان‌هایی با دید ضعیف اتفاق می‌افتد، نقاطی که فرار آسانی را برای مجرم فراهم می‌کند. بخش زیادی از آنها در تعطیلات آخر هفته، تعطیلات و ماه‌های گرم سال اتفاق می‌افتد که می‌تواند با فعالیت‌های روزمره اوقات فراغت بدون ساختار افراد همراه باشد. در این تحقیق نیز نتایج نشان می‌دهد که نقش محیط در

وقوع تجاوز جنسی در طول زمان و مکان متفاوت است. همچنین یافته‌ها با نتایج سامانتا و همکاران (۲۰۲۲) تأیید می‌کند که تجاوز جنسی غریبه در یک محیط خاص (بیرون در یک مکان منزوی در شب) رخ می‌دهد و پیامدهایی برای سیاست پیشگیری از جرم مبتنی بر مکان دارد. بسیاری از تعرضات در شب، یا در روز و به حاشیه بردن در حوالی شهر و مکان‌های دنج و کم تردد اتفاق افتاده است. ربایش زنان با آزار و اذیت کلامی، روانی، رفتاری و تجاوز جنسی و ربودن مال و اشیاء ارزشمند آنان همراه است و پیامدهای جدی برای زنان به جای می‌گذارد. بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خشونت جنسی سبب تشویش، حس حقارت و حتی گاهی خودکشی می‌شود (شادمانی، ۱۳۹۶). تحقیقات میلر (Miller) نیز حاکی از آن است که نسبت قابل توجهی از تجاوزگران جنسی در واقع تنها هنگامی می‌توانند از نظر جنسی تحریک شوند که قربانی را دچار وحشت و خفت کرده باشند. عمل جنسی خود اهمیت کمتری دارد تا خوار کردن زن (گیدنز، ۱۳۸۹: ۲۲۱). هنگامی که برای زنان تجاوز اتفاق می‌افتد، در مواجهه با آن ترجیح می‌دهند که سکوت اختیار کنند. این موضوع ناشی از ترس نهفته از تابوهای فرهنگی و هنجارهای اجتماعی است. نوع فرهنگ و هنجارهای جامعه زنان را مقصر می‌دانند. فمینیست‌ها می‌گویند قربانیان تجاوز غالباً در طی جریان دادرسی در دادگاه‌ها به محاکمه کشیده می‌شوند و گناه جرم به گردن خودشان می‌افتد، این به ویژه برای زنانی که زندگی آزادانه تری دارند، بیشتر اتفاق می‌افتد، مثلاً دست نگه داشتن زن جلوی اتومبیل در شب، عامل تجاوز پنداشته می‌شود (کلر و والاس، ۱۳۸۳: ۲۳۶). خشونت مقوله‌ای است که پیوند اساسی با فرهنگ جامعه دارد و نوع و میزان آن نسبی و متناسب با فرهنگ و قوانین هر کشور متغیر است. زنی که برچسب تجاوز می‌خورد، وجهه او نزد اطرافیان حتی بستگان نزدیک فرومی‌ریزد و هر چند بی‌تقصیر اما نوعی آبروریزی برایش محسوب می‌شود. گافمن (Goffman) در نظریه انگ اجتماعی این افراد را اصطلاحاً «داغ‌نگ» بر پیشانی می‌داند. افراد داغ‌خورده، از جریان عادی زندگی خارج و مجبور به دست و پنجه نرم کردن با مصیبت‌ها و مشکلات خود می‌شوند (گافمن، ۱۳۸۶: ۱۷-۱۶). جامعه افراد داغ‌خورده را به چشم افرادی حاشیه‌ای می‌انگارد؛ اما آنها موقعیت خود در مقام بیگانه را سامان داده و با طلب کردن و نمایش دادن هویت و ویژگی‌های رفتاری جدید که به وجوه شخصیتی مبهم و تار آنها یکپارچگی می‌بخشد، در برابر سرکوبگری موقعیت خویش ایستادگی می‌کنند (شاهمیری، ۱۳۸۶: ۱۱).

در میان شرکت‌کنندگان، حتی زنانی هم که به پلیس مراجعه می‌کنند، ترجیح می‌دهند به جز همسر سایر نزدیکان در این زمینه مطلع نباشند و برای سایرین تنها مسئله سرقت را بازگو

می‌کنند. اطلاع همسر را نیز تنها از حیث انتخاب تصمیم برای ماندن یا جدایی لازم می‌دانند. درحقیقت برای فرد قربانی احتمال از دست دادن زندگی مشترک وجود دارد. برای برخی مردان پذیرش موضوع دشوار است. این رخداد برای زن اگر چه سخت ولی جزئی از زندگی اوست و تأثیر نامطلوب روانی و خشم و تنفر به همراه دارد. گاه کابوس انتقام، گاه خودکشی یا کشتن مجرم را در سر می‌پروراند. عملکرد پلیس و مجازات مجرم در این شرایط تنها مرهمی بر زخم قربانیان و تسکینی بر درد آنهاست.

ترس از وقوع اتفاق مشابه پیامد مهم برای فرد قربانی و مراقبت ناخودآگاه راهبرد آنان است. میشل باندز (Michelle Bands) ترس زنان را انعکاس ساختارهای قدرت جنسیتی در سطح کلان جامعه می‌داند و معتقد است ترس از وقوع جرم در زنان و ترس از مورد تجاوز قرارگرفتن سه برابر مردان است (کردی، نوذری ۱۳۹۴). ادامه و تکرار چنین وقایعی احساس امنیت اجتماعی را کاهش می‌دهد. احساس تحقیر شدن و افول عزت نفس و خشم و کینه اجتماعی از دیگر پیامدها است و زن را در تمام طول زندگی رها نمی‌سازد. قربانیان نیاز به همدلی برای سازگاری با شرایط دارند. حتی برخی از زندگی عادی با همسر و روابط زناشویی گریزان و سرد می‌شوند و مشکلات جدید دیگری را تجربه می‌کنند.

اعتیاد و مصرف مواد مخدر و الکل از عوامل فردی مهم بروز تجاوز جنسی است. در الگوی استارت، سوء مصرف مواد، متغیری بین تکانش‌گری و خشونت در نظر گرفته شده است. رابطه میان مصرف الکل و دیگر مواد مخدر با خشونت خانگی کاملاً اثبات شده است. (ککاتو و همکاران، coecato et al، ۲۰۱۸) در رابطه با جانپان جنسی. ارتباط این موضوع را با مشروبات الکلی پیدا کردند و کنکل و همکاران، Konke et al، ۲۰۱۹) رابطه‌ای در سطح خیابان بین تراکم تجاوز جنسی و اعضای باند، خانه‌های مواد مخدر و مجرمان جنسی یافتند. پرفیت (Peyrefitte) در گزارش پژوهشی درباره خشونت، به مطالعه شکل‌گیری شخصیت و نقش گرایش‌های اخلاقی، مشکلات روانی مربوط به خشونت و رابطه متقابل خشونت و الکل و مواد مخدر پرداخته است. وی اعتیاد را پدیده‌ای ثانوی شخصی و اجتماعی معرفی می‌کند که به شدت به مسئله خشونت مربوط است و مواد مخدر ابزاری برای از میان بردن موانع رفتار خشونت‌آمیز به شمار می‌آید. بی‌تردید مصرف الکل قدرت مهار رفتار را تضعیف می‌کند و همین امر، زمینه بروز خشونت مرد را فراهم می‌سازد. در این تحقیق نیز اعتیاد از یکی از طرفین، قربانی یا مجرم محرز بوده و عامل مهم در وقوع پدیده است.

پیشنهادات

- تدوین و تصویب قوانین مرتبط با حمایت از حقوق زنان و به‌روزرسانی قوانین موجود و رفع خلأهای قانونی در زمینه کاهش خشونت جنسی
- توسعه عدالت ترمیمی از قبیل شنیده شدن و حمایت از بزه دیدگان و ایجاد فرصت برای بیان و روایت تجربه خود و پاسخ به نیازهای اولیه و ثانویه قربانی
- رسیدگی سریع و برخورد قاطع با عاملین خشونت جنسی در جامعه و سریع‌الاجرا بودن پرونده‌های مرتبط با تجاوز جنسی
- سالم‌سازی جامعه با اقدامات پیشگیرانه، فرهنگی و تبلیغی در جامعه و تقبیح رفتار مجرمانه در تأیید و تقویت ارزش‌های جامعه
- تأمین امنیت زنان و پوشش امنیتی مکان‌های تردد زنان با افزایش دوربین‌های مداربسته امنیتی انتظامی در جاده‌ها و اتوبان‌های شهری
- افزایش گشت‌های انتظامی به ویژه در محله‌های جرم‌خیز و حساسیت اجتماعی به موضوع زنان
- فراهم کردن بسترهای لازم برای جلب اعتماد زنان بزه دیده خشونت جنسی برای دادخواهی
- آگاه‌سازی مردم برای پیشگیری از بروز خشونت جنسی و تأمین و گسترش امنیت اخلاقی در جامعه برای پیشگیری از بروز خشونت جنسی
- مشارکت زنان در برنامه‌های کاهش خطر از جمله آموزش دفاع شخصی و بهبود توانایی و مهارت‌های فیزیکی در زمان بروز خطر
- تمرین‌های مقاومتی برای زنان، از جمله افزایش جرات ورزی، بهبود عزت نفس، کاهش اضطراب، کاهش ترس از تجاوز جنسی، افزایش خودکارآمدی، رفتارهای اجتنابی و محدود کردن فعالیت‌هایی همانند راه رفتن به تنهایی به ویژه در مکان‌های خلوت و ناامن.

کتاب‌نامه

- اشتراوس، آنسلم؛ کوربین، جولیت. (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
- آبوت، پاملا؛ والاس، کلر. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی زنان. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- بودلایی، حسن. (۱۳۹۵). روش تحقیق پدیدارشناسی. تهران: جامعه‌شناسان.
- پرفیت، آلن. (۱۳۸۷). پاسخ‌هایی به خشونت. ترجمه مرتضی محسنی. تهران: انتشارات گنج دانش.
- جانسون، اسکات آلن. (۱۳۹۲). سوء استفاده‌کننده‌های فیزیکی و آزاردهندگان جنسی. ترجمه عباس فردقاسمی. تهران: نشر کارآگاه.
- حسینی، ناهید. (۱۳۹۹). تدوین بانک اطلاعاتی پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان در ایران (چهار دهه پس از انقلاب اسلامی). دانشگاه علوم انتظامی امین. معاونت پژوهش و فناوری. گروه پژوهشی مطالعات زنان.
- حاج نصیری، حمیده؛ قانعی قشلاق، رضا؛ کرمی، مریم؛ طاهر پور، مریم؛ خاتونی، مرضیه و سایه میری، کوروش. (۱۳۹۵). «خشونت‌های جسمی، جنسی و عاطفی در میان زنان ایرانی: مرور سیستماتیک و متاآنالیز». مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، حاج نصیری، حمیده، قانعی قشلاق، رضا، کرمی، مریم، طاهرپور، مریم، خاتونی، مرضیه و سایه میری، کوروش. (۱۳۹۵). خشونت‌های جسمی، جنسی و عاطفی در میدان زنان ایرانی: مرور سیستماتیک و متاآنالیز. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ۲۱(۶)، ۱۱۰-۱۲۱. قابل بازیابی از :
- <https://www.sid.ir/paper/۷۶۹۰۵/fa>
- راد، فیروز؛ مرزی، صالح. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان و خانواده‌های شهر خوی. مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۲(۴۴)، ۲۱-۳۵. قابل بازیابی از:
- <https://www.sid.ir/paper/۲۵۵۰۱۳/fa>
- رزاقی، نغمه؛ پرویزی، سرور؛ رضانی، منیر و طباطبایی نژاد، سید محمد. (۱۳۹۲). پیامدهای خشونت علیه زنان در خانواده، یک مطالعه کیفی، مجله زنان و مامایی و نازایی، شماره ۱۶.
- شادمانی، مهدیه. (۱۳۹۶). تحلیل و بررسی خشونت علیه زنان مطالعه موردی زنان در اروپا. فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان. ۳(۹). صص ۶۲-۸۶.
- شاهمیری، آزاده. (۱۳۸۶). درباره «اروینگ گافمن»: نمایش خود در زندگی روزمره، روزنامه اعتماد. شماره ۱۴۵۹۱۴، مرداد ۱۳۸۶، صفحه ۱۱.
- شایان، آرزو؛ کاویانی، معصومه. (۱۳۹۴). بررسی اختلالات جنسی و عوامل مؤثر بر آن در زنان با خشونت خانگی ارجاع شده به مرکز پزشکی قانونی شهر شیراز. مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان. دوره ۲(۲۳). ۲۲-۴۱.

واکاوی تجربه زیسته زنان قربانی تجاوز جنسی (ناهد حسینی) ۵۵

فرامرزی، محبوبه؛ اسماعیل‌زاده، صدیق. (۱۳۸۴). بررسی ارتباط بین بروز خشونت جنسی در بزرگ‌سالی و تاریخچه خشونت فیزیکی در کودکی. دومین کنگره سراسری خانواده و مشکلات جنسی. سیویلیکا. ناشر تخصص مقالات کنفرانس‌ها و ژورنال‌ها.

فلیک، اووه. (۱۳۹۳). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

قاسمی، منا؛ صداقتی فرد، مجتبی و پیرخانی، علیرضا. (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان در خانواده با تأکید بر نقش نظام اقتداری در خانواده، مطالعات جامعه‌شناختی ایران (۱۵)، ۴-۵۹، ۷۳-۷۴. قابل‌بازیابی از:

<https://www.sid.ir/paper/496069/fa>

کار، مهرانگیز. (۱۳۸۷). پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

کردی، حسین؛ حسینی نودری، علی‌اصغر. (۱۳۹۴). تجربه انواع آزار جنسی زنان. رفاه اجتماعی. ۱۵ (۵۷)، ۷-۳۰. قابل‌بازیابی از:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1109530>

کلای، فریناز. (۱۳۷۸). بررسی عوامل مؤثر بر زن آزاری در همسران ۱۰۰ زن مراجعه کننده به مرکز پزشکی قانونی تبریز، پایان‌نامه دکتری دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

گافمن، اروینگ. (۱۳۸۶). داغ ننگ: چاره‌اندیشی برای هویت ضایع شده، ترجمه‌ی مسعود کیانپور، تهران: نشر مرکز.

گزارش تحلیل جرایم خشن (۱۳۹۵). معاونت طرح و برنامه و بودجه پلیس آگاهی ناجا. تهران. نشر کارآگاه.

میرزایی، خلیل. (۱۳۹۳). فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی. تهران: فوژان.

معین، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی. جلد ۱. تهران: آدنا: کتاب راه نو.

متقی دستنایی، بهاره؛ رئیس، زیبا؛ آصفی، فریبا؛ پوربختیار، مریم. (۱۳۹۵). فراوانی افسردگی در زنان قربانی تجاوز جنسی مراجعه کننده به مراکز پزشکی قانونی تهران (۱۳۹۲). مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان. (۳)، ۱۸، ۱۱۸-۱۲۱. قابل‌بازیابی از:

<https://www.sid.ir/paper/78888/fa>

نوروزی، اکبر؛ عالی پور، حسن. (۱۳۹۸). تجاوز جنسی و تعارض جنسیتی. پژوهشگاه حقوق کیفری. (۱)، ۱۰، ۱۸۹-۲۰۸. قابل‌بازیابی از:

SID. <https://sid.ir/paper/392021/fa>.

ناهدی، فاطمه؛ خادمی، نسیم؛ اریسیان، محمد؛ پورحسین قلی، اسما. (۱۳۹۴). فراوانی اضطراب در قربانیان تجاوز جنسی. مجله سلامت و مراقبت. (۴)، ۱۷، ۳۱۲-۳۱۸. قابل‌بازیابی از:

<http://hcjournal.arums.ac.ir/article-1-412-fa>.

وامقی، مروئه؛ خدایی اردکانی، محمدرضا؛ سجادی، حمیرا. (۱۳۹۲). خشونت خانگی در ایران: مرور مطالعات ۱۳۸۷-۱۳۸۰. رفاه اجتماعی. (۵۰)، ۱۳، ۳۷-۷۰.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=۳۰۷۲۵۰>

Baron, R.A. and D. Byrne, (1997). *Social psychology*, Boston: Allyn and Bacon.

Ceccato, V. Li, G. & Haining, R. (2018). The ecology of outdoor rape: The case of Stockholm. *European Journal of Criminology*, 16, 1-27. <https://doi.org/10.1177/1477370818770842>.

Jodi M. Gatley, M. Marcos Sanches, Claire Benny e, Samantha Wells, and Russell C. Callaghan. (2017). The Impact of Drinking Age Laws on Perpetration of Sexual Assault Crimes in Canada, 2009-2013. *Journal of Adolescent Health* 61 (2017) 24-31.

Konkel, R.H. Hafmeister, A.J. & Daigle, L.E. (2019). The effects of risky places, motivated offenders and social disorganisation on sexual victimisation: A microgeographic and neighbourhood level examination. *Journal of Interpersonal Violence*, Epub ahead of print. <https://doi.org/10.1177/0886260519849693>.

Pina, A., Gannon, T. A. & Sunders, B. (2009). An Overview of literature on Sexual Harassment: Perpetrator, Theory, and Treatment Issues. *Aggression and Violent behavior* (44): 126-138.

Renate R. Zilkens, Debbie A. Smith, Maureen A. Phillips, S. Aqif Mukhtar, James B. Semmens, Maire C. Kelly (2017). Genital and anal injuries: A cross-sectional Australian study of 1266 women alleging recent sexual assault. *Journal: Forensic Science International - Volume 275*, June 2017, Pages 195-202. Database: Elsevier - ScienceDirect

Robsam S. Ohayia, Ezebus C. Ezugwu, Chibuike O. Chigbub, Susan U. Arinze-Onyiah, Chukwuemeka A. Iyokeb. (2015). Prevalence and pattern of rape among girls and women attending Enugu State University Teaching Hospital, southeast Nigeria. *International Journal of Gynecology & Obstetrics*. Volume 130, Issue 1, July 2015, Pages 10-13.

Samantha Lundrigan, Ruth Weir, Andrew Newton, Kelly Agudelo & Mandeep Dhani. (2022). Patterns and Predictors of Stranger Rape Locations. *European Journal on Criminal Policy and Research*. Cite this <https://doi.org/10.1007/s10610-022-09535-5>

Vania Ceccato. (2014). The nature of rape places. *Journal of Environmental Psychology* Volume 40, December 2014, Pages 97-107.